

مادر و ناپدری من را فروختند

فریده موسوی، روزنامه‌نگار

مادر و پدرم طلاق گرفتند. پدر برای ادامه تحصیل به خارج از ایران رفت و مادر ازدواج کرد. من دوازده ساله بودم هر چند که اکنون در مرز ۰۴ سالگی قرار دارم.

اولین فردی که به من تجاوز کرد ناپدری‌ام بود و پس از آن مادر و ناپدری من را می‌فروختند. نه تنها به مردان که به زنانی که مشتری من بودند. من مدرسه می‌رفتم و چاره‌ای نداشتم جز آن که به مدیر مدرسه‌ای که می‌رفتم بگویم. آنقدر بچه بودم که یادم نیست مدیر خوب مدرسه اقدام قانونی کرد یا اساساً نمی‌توانست اقدام قانونی کند ولی آنقدر پیگیری کرد که پدرم را پیدا کرد و پدرم توانست من را از دست آن دو دیو نجات دهد. حالا فکر کنید من پدر نداشتم و یا فردی که به من کمک کند.

من امروز ساکن انگلستان هستم و دو فرزند دارم ولی هیچ‌وقت از زجر و عذاب و ترس‌هایی نداشتم و اگر عشق به کودکانم نبود به زندگی خود پایان می‌دادم.

قانون و والدین بدسرپرست

در ایران قانونی برای دور کردن کودک از والدین بدسرپرست وجود دارد و چه بسیار کودکان کار که توسط پدران و مادران خود فروخته می‌شوند. چل پله فرحزاد محله‌ای است که برای تهیه گزارش به آنجا رفتم و سراغی زنی به نام «مادر محمد» را گرفتم. زنی که دلال چنین کودکانی بود. کودکانی که پدران و مادران‌شان آن‌ها را می‌فروختند و اگر مشتری نبود به انواع و اقسام کارها و حتی جرایمی چون خرید و فروش مواد مخدر و دزدی و ساقی‌گری دست می‌زدند.

در کشور ما قانون سلب سرپرستی کودک از والدین بی‌صلاحیت وجود ندارد. میترا در قانون اصلاح و تربیت می‌گوید: «من بچه فنج بودم. در سیزده سالگی توسط پدرم به اجاره می‌رفتم. از خانه فرار کردم و به جرم ولگردی من را گرفتند. حالا زندانم که تمام شود باید دوباره به همان خانه برگردم چون جایبی ندارم که بروم. نذر امامزاده صالح کردم که من را همین جا نگه دارند. برای همین هفته پیش دست‌هایم را با یک تیغ خط‌خطی کردم بلکه به دلیل رفتار بد بیشتر نگه دارند.»

بدون شک کودکانی که در کنار چنین والدینی زندگی می‌کنند، زمانی که بزرگ شوند چاره‌ای به جز بازگشت به چرخه خشونت و جرم ندارند و شاید به همین دلیل است که اخیراً قوه قضاییه لایحه‌ای در ۵۵ ماده به مجلس شورای اسلامی فرستاده که ۶۲ ماده آن تا کنون در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به تصویب رسیده است. در لایحه موادی در نظر گرفته شده که می‌توان اگر پدر و مادری واقعا صلاحیت ندارند سرپرستی کودک را از آن‌ها سلب کرد و به افراد دیگر سپرد. در این لایحه رویکرد دیگری وجود دارد که با حمایت از خانواده، می‌توان کودک را در کنار خانواده نگه داشت ولی به اصلاح خانواده و حمایت از آن‌ها [پرداخت](#).

اما آنچه در این میان مهم است شناسایی خانواده‌های بدسرپرست است. قانون باید معلمان و یا پزشکان و کادرهای درمانی و انتظامی را موظف کند که با شناسایی این قبیل کودکان آن‌ها را به دستگاه قضایی معرفی کرده و یا به شکل شاکی خصوصی وارد عمل شوند. دولت باید اقدام به پروژه‌های غربال‌گری برای شناسایی کودکان آسیب‌دیده کند. کودکان کمتر پیش می‌آید که مشکلات خود را به اطرافیان بگویند. آن‌ها در این شرایط به شدت می‌ترسند و احساس بی‌پناهی می‌کنند. اساساً نمی‌دانند چه بلایی بر سر آن‌ها نازل شده است. در این میان سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

با مادری گفت‌وگو می‌کردم که از تجاوز پدر به دختر خردسال با اطلاع بود و سکوت می‌کرد و من اطمینان داشتم که اگر مادر در شرایط اقتصادی و روحی و حمایت‌های قانونی قرار داشت اجازه نمی‌داد این رفتار تا نوزده سالگی دختر ادامه پیدا کند.

ولی در شرایط کنونی قانون بهترین تنظیم‌کننده روابط غلط و خشونت‌بار علیه کودکان است و باید از والدین بی‌مسئولیت سلب صلاحیت کند.

هیکلم بوی شیره سوخته می‌داد

سامان ۱۲ ساله است و پدر و مادرش هر دو تریاکی بودند. سامان به اصطلاح خودش دودی شده بود و در همان دوران مدرسه اگر یک روز

دیر به خانه می‌رسید حالش خراب می‌شد. سامان امروز جوان موفق‌تری است که به کمک مادربزرگ و عمو توانست از مهلکه فرار کند. سامان می‌گوید من را وادار می‌کردند از خرده‌تری‌ها شیره درست کنم. هیکلم بوی شیره سوخته می‌داد و من بی‌پناه بودم. درس خوب بود و اگر کمک خانواده نبود من و خواهرم نابود می‌شدیم اما همه این شانس را ندارند و کودکان در مقابل چنین والدینی نیاز به حمایت دارند.

سال‌هاست در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته چنین قوانینی وجود دارد و می‌توان از تجربه‌های آن‌ها درس آموخت. سوال اینجاست که اگر خانواده مقدس است چرا باید کودکان در چنین خانواده‌هایی تا مرز مرگ و نیستی پیش بروند. چرا قانون‌گذار از چنین کودکانی حمایت نمی‌کند. سلب سرپرستی کودک از والدین بی‌صلاحیت اتفاقی مثبت برای پایان یافتن درد و رنج کودکان بی‌پناه است. حتی سلب صلاحیت موقت و یا جریمه‌های نقدی و موظف کردن والدین به شرکت در کلاس‌هایی که در نهایت مجوز نگهداری کودک را صادر می‌کنند می‌تواند موثر باشد.

سازمان‌های غیردولتی در این زمینه نقش اساسی بازی می‌کنند و در بسیاری کشورها چنین سازمان‌هایی وظیفه نگهداری این کودکان را به عهده می‌گیرند و حتما در کشور ما هم خیرین و افراد زیادی هستند که در این زمینه مشارکت گسترده داشته باشند.

ضرورت تاسیس خانه‌های امن

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری می‌گوید: «قبل از تدوین چنین قوانینی و خوشحال شدن نسبت به تصویب این قوانین باید توجه کرد که بسترهای مناسب این قوانین را فراهم کنیم. به فرض اینکه فرزندان را از والدین بدسرپرست جدا کردیم، در شرایطی که غیر از بهزیستی هیچ نهاد رسمی دیگری از کودکان حمایت نمی‌کند، چه برنامه‌هایی می‌توان برای فرزندان بدسرپرست داشت؟ مهم‌ترین مسأله‌ای که در این شرایط به آن نیاز داریم وجود خانه‌های امن مناسب برای این کودکان است.»

عبدالصمد خرمشاهی معتقد است در کشورهای پیشرفته، رسیدگی به عدم صلاحیت والدین برای نگهداری از فرزندان‌شان امری متداول است و دلیل اصلی آن هم وجود زیرساخت‌های مناسب حمایتی است. تصویب این قانون مثبت و رو به پیشرفت است. هرچه زودتر باید شرایط مناسب برای نگهداری کودکان آسیب‌دیده را فراهم کرد.

به گفته خرمشاهی، فراهم کردن شرایط مناسب برای حمایت از کودکان آسیب‌دیده بر عهده دولت است. دولت باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب نسبت به حل کردن این معضل اقدام کند. فراموش نکنیم که خانواده ناهنجار منشا بسیاری از مشکلات بعدی در جامعه است. به طور قطع خانواده‌های آسیب‌دیده و ناهنجار که در آن والدین خودشان به فرزندان آسیب‌های روحی و جسمی وارد می‌کنند، نمی‌توانند بستری مناسب برای رشد فرزندان سالم و به دور از آسیب باشند. بنابراین هرچه دولت در این زمینه هزینه و امکانات مناسبی فراهم کند در حقیقت سرمایه‌گذاری بلندمدت کرده [است](#).

جدایی فرزند از والدین بدسرپرست را اتفاقی لاجرم است

چندی پیش محمد علی اسفغانی سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به خبرگزاری ملت [گفت](#): «در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست به کودکان کار، کودکان خیابانی، و کودکان بزه‌دیده اشاره شده و تکالیفی برای والدین مشخص شده است.»

نماینده مردم فردین، فریدون‌شهر و چادگان در مجلس شورای اسلامی، افزود: «والدین بدسرپرست، کودکان خود را در معرض آسیب قرار می‌دهند یا کودکان خود را می‌فروشند و یا بدون امکان نگهداری، آن‌ها را رها می‌کنند، لذا در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان حمایت از این کودکان و رهایی‌سازی آن‌ها از دست والدین بدسرپرست قانونی می‌شود.»

وی با بیان اینکه در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، دادگاه موظف به تعیین عدم صلاحیت والدین بدسرپرست است، گفت: «مواردی که طبق آن عدم صلاحیت والدین یا کودک آزاری از سوی والدین مشاهده شود یا گزارشی در این خصوص از سوی سازمان بهزیستی یا ان‌جی‌او‌ها به دستگاه قضایی برسد، سرپرستی این فرزندان از والدین سلب و به سازمان بهزیستی و یا ان‌جی‌او‌ها مورد اطمینان سپرده می‌شود.»

اسفغانی با تأکید بر اینکه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تنها از افراد زیر ۸۱ سال حمایت می‌کند، گفت: «در این لایحه علی‌رغم اینکه سلب فرزند به صورت دائم مورد نظر بود اما با بررسی و واکاوی نمایندگان کمیسیون قضایی و حقوقی، با جدایی موقت فرزند از والدین بدسرپرست موافقت حاصل شد.»